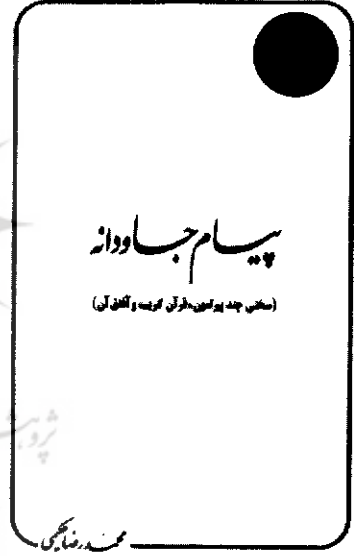
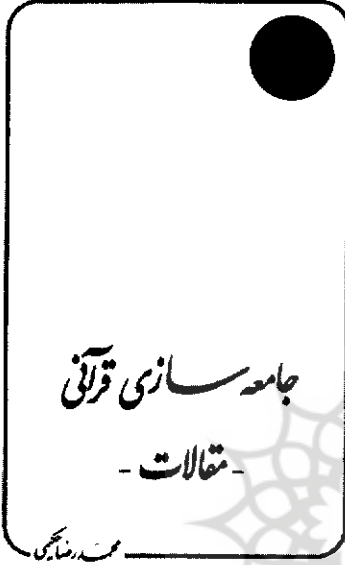


معرفی معرفی کتاب



پژوهش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمد رضا بجنانی

جامعه سازی قرآنی - مقالات - محمد رضا حکیمی، قم، انتشارات دلیل ما، ۲۷۹ ص، رقعی (شمیز)، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ ش / ۲۰۰۰ نسخه.

۳- با نظر به اوضاع زمانه و چگونگی روند امور، بویژه آنچه از برخی از استادان متدین و آگاه دانشگاهها و بعضی از فاضلان بیدار حوزه ها شنیده ام، و خود نیز فهم و حس - بلکه لمس - می کنم امروزه سه امر در رأس همه تکالیف جای دارد. که باید درباره آنها کارهایی عمیق، گسترده، و با سرعت لازم انجام یابد:

- (۱) - حفظ اعتقادات توده
- (۲) - پاسداری نسل جوان
- (۳) - نجات انسان مستضعف (ص، ۲۱)

در این زمانه گنگ و بی فریاد که «...سگان هار رها»^۱ پوستین هزار چاک خلق را می درزند، شنیدن فریاد «عدالت»، «راستی»، «نماز»، ... و در یک کلام تمام «فضایل» فراموش شده ی انسان و اسلام، دلنشین و گیراست. و در زمانه ای که «مصلحت» اندیشی مردان سیاست - مردان زروروز و تزویر - جای را بر «حقیقت» تنگ و دشوار کرده اند، گوش سپردن به فریادهای مردی که از «حقیقت» می گوید شنیدنی است.

حکیمی همان مردی است که می اندیشد و فریاد می زند، اعتراض دارد، مصلحت خود را به جای حقیقت مطلق نمی نشاند، از علی و فضایل او - و در رأس آنها عدالت و راستی - می گوید و خود در افق آن فضایل می زید، بر دردها و مصیبت های خلق فراموش شده که به تعبیر دکتر شریعتی تمام «فخر» شان «فقر و محرومیت» آنهاست ناله های سرد و بی روح سر نمی دهد؛ دردها و مصیبت های این قوم به تاراج رفته، دردهای اوست، ...

«قدرت قلم، روشنی اندیشه، رقت روح، اخلاص نیت، آشنایی با رنج مردم و زبان زمان و جبهه بندهای جهان و داشتن فرهنگ انسانی اسلام شیعی و زیستن با آن «روح» که ویژه «حوزه» بود و...»^۲ همگی در حکیمی جمع است. آثار قلمی - کتاب‌ها و مقالات - استاد حکیمی گواه بر این حقیقت است که او دردها، بی‌عدالتی‌ها، محرومیت‌ها، انحراف‌ها، التقاط‌ها و... جامعه، فرهنگ و دین را با تمام وجود لمس کرده است. حکیمی بر آن است تا ثقلین - قرآن و عترت - را «احیاء» کند. چرا که به عقیده‌ی او احیای ثقلین احیای جامعه، فرهنگ، دین، و معارف و در یک کلام احیای تمدن بزرگ اسلامی است. معرفی و بررسی مجموعه آثار استاد حکیمی - تک‌نگاری‌ها و دائرة المعارف بزرگ «الحیاء» - کاری درخور توجه است. این گونه معرفی‌ها باعث آشنایی نسل جوان - دانشجویان و طلاب - با اندیشه‌های ژرف، گسترده و عالمانه‌ی استاد حکیمی می‌شود. اکنون در این مجال اندک می‌کوشیم تا کتاب مهم «جامعه‌سازی قرآنی» را معرفی کنیم. کتاب ارزشمند جامعه‌سازی قرآنی، مجموع شش مقاله است. این مقالات در عین استقلال فردی، از انسجام دقیق و لطیفی نیز برخوردار می‌باشند که آن تفرد ظاهری را به تجمع درونی و باطنی پیوند می‌دهد.

بخش نخست: جامعه سازی قرآنی

در این بخش دو عنوان مورد تأمل قرار گرفته:

۱- نماز- عدالت، دو نشانه جامعه قرآنی. انسانی و مطالعات فرهنگی

... نشانه‌های جامعه قرآنی چند چیز است، که بارزترین همه آنها، بنا بر استناد به آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تعالیم اوصیا - که شرح و تفسیر راستین آیات آسمانیند - دو چیز است: ۱- نماز، ۲- عدالت. (ص، ۳۱)

۲- احکام دین و اهداف دین

و خدا خود می‌داند، و عقل گواهی می‌دهد، و نقل تصریح می‌کند و تجربه به لمس می‌رساند که توجه به «احکام دین»، بدون توجه به «اهداف دین»، توجه به «احکام» نیز نیست، که «احکام» در حال توجه به «اهداف»، درست استنباط می‌شوند و مصونیت الهی می‌یابند، و در تحول بنیادین جامعه، و ساختن فرد صالح، و تشکیل نظام عادل اعجاز می‌کنند... (ص، ۶۶)

بخش دوم: محورهای عدالت

در تعالیم اسلامی، از اصلها و محورهای بسیاری به عدالت و وجوب اجرای آن می‌رسیم، در اینجا به ذکر ۵۲ محور می‌پردازیم، (ص، ۶۹)

استاد حکیمی این محورها را به طور مختصر و مفید توضیح می‌دهند و ربط و نسبت آنها با مسأله‌ی عدالت مورد دقت قرار می‌گیرد. مثلاً در ذیل محور «توحید» بیان شده: مبنای عقیده به عدل در صفات الهی، آیات قرآن و احادیث و حکم عقل است، بویژه تعقل خالص و حیانی... از اینرو هم بنیاد «تکوین» و هم بنیاد «تشریح» - هر دو- بر «عدل» نهاده است. (ص، ۷۰)

معاد، عقل، قرآن، غدیر، ملاک تولی، انقلاب، مبارزه با فقر، اصل مساوات، همدلی توده‌ها، سلامت روانی جامعه، عدل به جای شمشیر، ... برخی محورهای مهم این بخش می‌باشد.

بخش سوم: تعریف عدالت

... در این نوشتار می‌خواهم تعریفی مغفول و مهجور از «عدالت» که از دو پیشوای مظلومترین مکتب جهان و ستم‌دیده‌ترین مذهب در سرتاسر تاریخ انسان، رسیده است و در دسترس است بیاورم و معرفی کنم؛ ... (ص، ۱۵۶)

استاد حکیمی با نقل حدیث «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عَدَلَ بَيْنَهُمْ» ویژگی‌ها و امتیازات این تعریف را نسبت به دیگر تعاریف عدالت - در مکاتب مختلف - به نیکی نشان داده‌اند.

نقطه‌ی اوج این تعریف (...)، عینیت آن است، یعنی در این تعریف، به هیچ‌روی «کلی‌گویی» و «ذهنگرایی» نشده است. بلکه واقعیت عینی و خارجیت ملموس، با صراحت (...) گفته شده است.... (ص، ۱۵۷)

استاد در ذیل احادیثی، پانزده مطلب مهم و راه‌گشا در باب عدالت بیان می‌کنند. تعریف جامعه دینی؛ دو مانع رشد انسان؛ فهم زمان؛ دین و دنیا؛ ویژگی‌های مجریان عدالت؛ اقتصاد تکاثری، ضد انسانیّت؛ مشکل اصلی (لیبرالیسم اقتصادی)؛ بعضی عناوین اصلی این بخش می‌باشد.

بخش چهارم: ابعاد صیوروت (مقدمه ای بر شناخت دعا)

یکی از روش های بسیار مهم اسلامی، برای هدایت و تعلیم، و القاء پیام و تربیت همه جامعه و ایجاد مدرسه ای عام برای ساختن روح مردم، و تبیین «ابعاد صیوروت» (بعدهای گوناگون دگرگون گشتن و ساخته شدن)، روش تأثیر گذار و نفوذگر «دعا» است، ... (ص، ۱۹۲)

حکیمی به همان اندازه که دغدغه ی جامعه سازی و عدالت اقتصادی و معیشتی دارد؛ دغدغه ی فرد و فردسازی نیز دارد. در اندیشه ی استاد حکیمی توجه به اخلاق و معنویت - برای ساخته شدن فرد و به تبع آن جامعه و اجتماع- بسیار برجسته و ممتاز می باشد. او نقش دعا را در فردسازی و جامعه سازی مهم می شمارد.

دعا به آن اندازه - و با آن کیفیت بسیار متعالی - که در اسلام مطرح گشته است، و ابزار حرکت «تعلیم و تربیت» قرار گرفته، و برای بیداری آفرینی و معرفت گستری و تعهد پروری و فردسازی بکار رفته است، در دینها و مکتبهای دیگر چنین نشده است؛ ... (ص، ۱۹۲)

به عقیده ی استاد حکیمی:

می توانیم مراحل مربوط به شناخت دعا را در پنج شناخت خلاصه کنیم ۱- شناخت آداب دعا. ۲- شناخت اوقات دعا. ۳- شناخت ابعاد دعا. ۴- شناخت احوال دعا. ۵- شناخت اعماق دعا. (ص، ۲۰۴)

در این بخش هم به مباحث فردسازی دعا اشارات فراوان و مفید رفته و هم به مباحث جامعه سازی دعا. همچنین در ده تکمله (ده تکمیل) مباحث مختلف و متنوعی - در ارتباط با دعا- مورد توجه و دقت قرار گرفته. مباحثی همچون: آفاق تعبیر در دعا؛ فلسفه دعا و پیام های آن (توجه به خداوند، گذر از خودنگری، دمیدن روح کوشایی و تلاش)؛ تأثیر دعا در سرنوشت حتمی؛ دعا و سلوک الهی؛ معارف دعائی؛ آفاق جلیل تربیت؛ ...

بخش پنجم: سیاست کلی اسلام (اتحاد جماهیر اسلامی)

اندیشه ی اتحاد مسلمانان و دوری گزیدن از اختلاف های جزئی و مخرب و متحد شدن در مقابل دشمن مشترک - نظام استکباری و سرمایه داری غرب - از اندیشه های ناب و اصیل استاد حکیمی می باشد:

من در بیست سال پیش، موضوعی بسیار مهم و حیاتی برای جامعه‌های اسلامی و ملت‌های مسلمان، یعنی موضوع «اتحاد جماهیر اسلامی» را مطرح ساختم... [مسلمانان باید یک قدرت معارض در مقابل دشمن مشترک - نظام سرمایه‌داری غرب - ایجاد کنند] از چه راه؟ از راه ایجاد یک اتحاد بزرگ و در هم تنیده، از همه کشورهای اسلامی و از همه مسلمانان جهان و امکانات و توانها و استعداد‌های گوناگون آنان، زیر پرچم «اتحاد جماهیر اسلامی»... (ص، ۲۶۲ و ۲۶۳)

استاد حکیمی با پذیرفتن واقعیت تفاوت‌ها و اختلافات فقهی، کلامی، اعتقادی و... مذاهب و فرق اسلامی، بر اتحاد و همبستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی دولت‌ها و ملت‌های مسلمان توصیه و تأکید دارند. و صد البته طرح او برای «اتحاد جماهیر اسلامی» یک طرح تاکتیکی و شعاری و آرمانی نمی‌باشد، بلکه طرح او اولاً، برگرفته از آیات قرآن (انّ هذه اُمَّتکم اُمَّةٌ واحدة) و احادیث نبوی و علوی است. ثانیاً یک طرح اجرائی، نظام‌مند و استراتژیک است.

روشن است که اندیشه‌ای که یاد شد (یعنی تشکیل اُمتی واحد از همه ملت‌های اسلامی...)، امری است عملی و قابل تحقق، که می‌توان با ارتباط‌های اصولی و مجاهدتهای پیگیر، و آگاه‌سازیهای لازم، ... آن را سامان داد، ... (ص، ۲۶۹)

استاد حکیمی در ذیل عنوان «محورهای حرکت و اقدام»، ۷۲ محور اصلی و بنیادین را برای تحقق یافتن امت واحده‌ی اسلامی برمی‌شمارد.

۱. شفیع کدکنی، هزاره‌ی دوم آهوی کوهی/ ۱۳۴، بن بست.

۲. نامه - وصیت شرعی - دکتر شریعتی به استاد حکیمی.

پیام جاودانه (سخنی چند پیرامون «قرآن کریم» و آفاق آن)، محمد رضا حکیمی، قم: انتشارات دلیل ما، ۳۹۰ ص، رقیعی (شمیز)، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۲ ش/۳۰۰۰ نسخه.

... امیدوارم در این روزگار، که قرآن کریم، از هر نظر «مهجور» است و در «فهم توحید»، «شناخت وحی»، «حقیقت رسالت و وصایت»، «عدالت و قسط»، «تربیت و خودسازی»، «سیاست و جامعه‌پردازی»، «شئون مختلف حاکمیت»، یا اصلاً، یا چنانکه باید، حضور ندارد، اذهانی را به کتاب خدا (یعنی: وسیله‌نهایی برای دستیابی به «شناخت صحیح» و «عمل صالح» که تنها این هر دو مایه سعادت جاودانی انسانند)، بیشتر متوجه سازد و نسلهای جوان را کمک کند، تا در پناه قرآن، هیچ انحرافی را نپذیرند، و به هیچ گسستگی از حوزه قرآن و عمل به قرآن نگرایند. (با خوانندگان، ص/۲۳ و ۲۴)

جدیدترین اثر استاد محمد رضا حکیمی - «پیام جاودانه» - نیز بر محور دغدغه‌های پنجاه ساله‌ی ایشان - تفکیک و عدالت - سامان یافته است.

تفکیک (جداسازی بین معارف ناب و حیانی از معارف التقاطی بشری) و عدالت (عدالت اقتصادی و...) دو دغدغه‌ی اصلی و اساسی حکیمی است که همگان او را به این دو مهم می‌شناسند. رد پای این دو اصل در تمام آثار حکیمی مشهود و ملموس است.

حکیمی دانش آموخته‌ی مکتب معارفی خراسان است، او از این مکتب معارفی «تفکیک» آموخت و بعدها در تحقیق و ترویج آن کوشید. عدالت را نیز از مطالعه‌ی

عمیق و همه جانبه‌ی تراث شیعه - قرآن و عترت (ثقلین) - و دقت در احوال مردمان جامعه و اجتماع مصیبت زده‌ی خود آموخت. عدالتی که حکیمی بر آن فریاد می‌زند دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است: ۱. این عدالت همه جانبه و فراگیر است. ۲. نظام مند و اجرائی است. ۳. برتری قابل اعتنائی نسبت به عدالت مارکسیستی و سرمایه داری دارد. سوگمندانه باید اعتراف کرد که دو دغدغه‌ی اصیل حکیمی - به طور جدی، عمیق و علمی - تنها بوسیله خودشان - چاپ آثار مختلف - دنبال می‌شود و کمتر مورد استقبال علمای حوزوی - خواستگاه حکیمی - و اندیشمندان دانشگاهی قرار می‌گیرد. کوشش‌های استاد حکیمی - با وجود کهولت سن و بیماری - برای معرفی دو اصل مهم تفکیک و عدالت قابل تقدیر و سپاس فراوان است و می‌توان برای جویندگان حقیقت و راستی الگو و نمونه‌ی ارزنده‌ای تلقی شود.

اثر جدید استاد حکیمی با عنوان اصلی «پیام جاودانه» و عنوان فرعی (سخنی چند پیرامون «قرآن کریم» و آفاق آن) تلاشی است سودمند برای معرفی معارف اصیل و حیانی / قرآنی.

در این «پیام جاودانه» چند بحث و گفتار، پیرامون کتاب آسمانی، و کلام الهی، و میراث جاودان محمدی، و شاخص هدایت حقّه ربّانی، و منبع معارف راستین و حیانی، و مشعل همواره فروزان در زندگی انسان، کتاب حکیم و «قرآن کریم» گردآوری گشته است. (با خوانندگان، ص ۲۳۱)

آن چه در این کتاب جالب و قابل توجه است، فصل بندی جدید کتاب است. به احترام «قرآن کریم» و با الهامگیری از آیه‌ی ۲۴، از «سوره‌ی محمد ﷺ» که ذکر شد (ص ۱۷)، عنوانهای اصلی فصلهای بیستگانه‌ی این کتاب را «تدبّر» نهادیم؛ بدان امید که «تدبّر» در برخی از آیات «کتاب وحی» کرده باشیم، ... (با خوانندگان، ص ۲۵)

استاد حکیمی در این اثر کوشیده است مطالب مختلف و متنوعی که پیرامون قرآن و آفاق آن، بدان‌ها اندیشیده و یا در کتاب‌های مختلف به چاپ رسانده در یک جا جمع و تنسيق کند و به گونه‌ای یگانه و با عنوان «پیام جاودانه»، به علاقه‌مندان عرضه نماید. سیری در «تدبّر» های این کتاب خواننده را بیشتر با «تدبّر» های قرآنی حکیمی آشنا می‌کند.



تدبّر نخست: معارف چیست؟

در این تدبّر به مسأله‌ی مهم و اساسی «معرفت» و اهمیت آن در زندگی انسان پرداخته شده.

موضوع مورد نظر «معارف راستین» است، که مهمترین توشه‌ی روح انسان است برای زندگانی ابدی او و درجات آن. (ص، ۲۸)

تعریف «معارف»؛ سرمایه‌ی اصلی انسان؛ تکمیل «معارف»؛ استقلال «قرآن کریم»، در «معارف»؛ برکه کجا و اقیانوس؟ از عناوین اصلی این تدبّر است. در ذیل هر کدام از این عناوین مباحث مختصر و مفیدی طرح و تحقیق شده است. مثلاً در ذیل عنوان، استقلال «قرآن کریم»، در «معارف» آمده است.

قرآن کریم در معارف خویش مستقل است، و در دستگاه (نظام) معارفی خود و مجموعه‌ی حقایق شناختی-چه علمی، چه عملی-به هیچ مکتب و مذهب و نحله و طریقه‌ای-از قدیم و جدید، و از شرق و غرب-نیازمند نیست، ... (ص، ۳۵)

تدبّر دوم: قرآن، منطلق توحید

بررسی معارف قرآنی و مقایسه آن با دیگر معارف بشری-شناخت تجربی طبیعت، تاریخ، انسان-در این تدبّر صورت گرفته است.

قرآن می‌گوید:

بنگر، بیندیش، تعقل کن، بشناس، بفهم، انسانی پوچ مباش، بلکه دارای لب (مغز) باش، تشخیص بده، فکر کن، پیرس، بگو و بجو، و از روی این مقدمات (یعنی اجتهاد و تحقیق در شناخت، نه صرفاً تقلید)، بیاب و ایمان بیاور و باور دار. (ص، ۴۲)

برخی عناوین این تدبّر عبارتند از: جهان بینی؛ دعوت به شناخت (پایه)؛ انسان در ستیغ ارزشمندی؛ تمایز در حرکات ارادی؛ ضرورت داشتن «شناخت»، در هر کار و اقدام؛ نهادهای شناخت؛ شناخت تجربی طبیعت؛ شناخت تجربی تاریخ و... در این «تدبّر» چند مسأله هم مورد توجه قرار گرفته است. رجوع به خویشتن؛ تجربه‌ی نفس شناختی؛ احیای فطرت (سرشت توحیدی، یا توحید سرشتی)؛ دانش عقلی و بینش قلبی؛

تدبیر سوم: شرک به «قرآن کریم»

برای یک مسلمان شناخت قرآن، ابعاد و ویژگی های مختلف و متنوع آن امری ضروری و مهم تلقی می شود؛ چرا که هدایت تامه هدایت قرآنی است. و بر مسلمانان است که به آن «شرک» نوززند. شرک به قرآن به امر «معرفت» و «هدایت» مربوط می شود. (ص، ۶۹)

در ذیل عنوان «مشکلی بزرگ» آمده است:

مشکل، این است که رشته ای بعنوان «قرآن شناسی معارفی»... وجود ندارد.... قرآن شناسی معارفی، یعنی شناخت «معارف»، از خود قرآن کریم و احادیث نبوی و اوصیایی، به طور کاملاً خالص، و مستقل و مستغنی از هر اقتباس و التقاط و امتزاجی که تصور شود و از هر شرک و شریکی که، فکری و فرهنگی، خویشتنی بنماید. (ص، ۷۶ و ۷۷)

و حیانت تامه؛ قرآن کریم و تزکیه و تعلیم؛ راه منحصر به فرد، تفکیک؛ جهاد در راه حصول معرفت؛ به سوی کلام نور، در ظلمتستان ظلمت؛ فرو کوبی مستکبران و رهاسازی مستضعفان؛ ... عناوین مهم این «تدبیر» می باشد.

تدبیر چهارم: رأی تراشی، در برابر قرآن

توصیه ای استاد حکیمی - با بهره گیری از نهج البلاغه و احادیث نبوی و علوی - به جامعه و اندیشمندان، این مهم است، که در مقابل قرآن و هدایت قرآنی، رأی تراشی و هدایت گزینی نکنند.

... در برابر قرآن کریم، از خود «رأی» نتراشید، و فلسفه ای الهی درست، و شناخت های راستین را - در علم و عمل - در حوزه قرآن و قرآنی اندیشیدن، بجوید، بکشید تا قرآن را بفهمید... نه اینکه خود و آراء خود را به جای قرآن گذارید! و هر چه دلتان خواست، یا با طبع و خواهانی هاتان موافق بود، یا سودی برای اهداف خاصتان داشت، به قرآن نسبت دهید... (ص، ۱۰۴)

تدبیر پنجم: نبرد با فرهنگ قرآن

استاد حکیمی در این «تدبیر» ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی را مورد تحقیق و بررسی



قرار داده است. در نظر استاد تهاجم فرهنگی یعنی:

درهم ریختن یک فرهنگ (و از گسترش انداختن آن) با آوردن فرهنگی دیگر (و

گسترش دادن به آن)، (ص، ۱۱۰)

به عقیده‌ی استاد حکیمی، تهاجم فرهنگی از قرن اول هجری - به دست معاویه - شروع شده است و تا الان نیز ادامه دارد. تشکیل «بیت الحکمه» بغداد در مقابل بیت القرآن مدینه» آشکارترین تهاجم فرهنگی در قرون اولیه اسلامی بوده است.

نبرد فکری و فرهنگی با قرآن کریم، به منظور گسترش نیافتن فرهنگ قرآنی و آشفتن فضای واحد این فرهنگ، و در نتیجه پدید نیامدن جامعه قرآنی (جامعه قائم بالقسط) و حکومت قرآنی (نظام عامل بالعدل)... به صورت‌های [مختلف] عملی گشت. (ص، ۱۱۷)

به اعتقاد حکیمی شناخت ابعاد پنهان و آشکار این تهاجم همه جانبه - در حوزه، دانشگاه، اقتصاد، فرهنگ، معارف و... - و بررسی تاریخی این هجمه‌ی ویران کننده سبب می‌شود تا مسلمانان به فهم پالایش و خالص کردن تمام ابعاد حیاتی خود دست یابند.

تدبیر ششم: «قرآن کریم» کتابی «عینگرا»

... قرآن کریم، کتابی «عینگرا» است، نه کتابی ذهنی و ذهنگرا. قرآن، حتی تفکر

و تعقل را به عینگرایی کاملاً مرتبط ساخته است؛ ... (ص، ۱۲۸)

ابن خلدون و ارزیابی فلسفه؛ متفکران اخیر و عینگرایی «قرآن کریم»؛ غیر تفکیکیان

تفکیکی؛ عالمان قرآنی باید «عینگرا» باشند؛ ... برخی عناوین این «تدبیر» می‌باشد.

تدبیر هفتم: بازگشت به قرآن.

یکی از دغدغه‌های اساسی و اصلی استاد حکیمی مسأله‌ی بازگشت به قرآن است.

در نظر حکیمی بازگشت به قرآن یعنی:

شناخت خالص پیام قرآنی و عمل کردن به ابعاد متعدد قرآن، در همه شئون زندگی

فردی و خانوادگی و اجتماعی و اقتصادی و تربیتی و اخلاقی، فرهنگی و معیشتی

و... (ص، ۱۵۰)

در این تدبیر از دو تجربه - تجربه استاد محمد تقی شریعتی و مکتب معارفی خراسان،

و تجربه‌ی پرفسور عبدالجواد فلاطوری در آلمان - سخن به میان آمده است و دیگر بار بر مکتب معارفی تفکیک تأکید شده است. در آخر هم راه بازگشت به قرآن - همراهی قرآن و عترت - نشان داده شده است.

تدبیر هشتم: «قرآن کریم» و «منظومه قرآنی»

در این تدبیر بر مسأله‌ی «امامت» و همراهی قرآن با عترت تأکید شده است. ... «دوره وصایت»، پس از «دور نبوت» ضروری‌ترین امر است در تاریخ انسان و هدایت انسان و تربیت انسان، ... (ص، ۱۸۰)

از معتبرترین احادیث نبوی حدیث متواتر «ثقلین» است. در این حدیث تأکید شده که هدایت و نور در همراهی قرآن با عترت است. استاد حکیمی در اطراف این حدیث - سنداً و متناً - مباحث مفید و جالب توجهی طرح و بررسی کرده‌اند.

حکیمی - با استناد به آیات و روایات، بر مبنای تعقل و حیانی - سخت معتقد است که حد دیگران نیست که برای حجت‌های معصوم الهی حد معین کنند، و میزان قرب و اتصال آنان را به قرآن و نقش بنیادین ایشان را اندازه‌گیری و محدود کنند - خلاف عقل و موازین شرع است که انسان نیازمند به «حجت»، برای حجت، حد و تکلیف معین کند.

اگر برخی از عالمان اهل سنت این کار را بکنند، از این جهت است که آنان را هادپانی معصوم و اوصیای الهی، که بوسیله‌ی خود پیامبر اکرم ﷺ و تأکید آیات قرآن تعیین شده، و انبازان قرآن کریم معرفی شده‌اند، محرومند.

تدبیر نهم: «قرآن کریم» و «گستره تعالیم»

از امتیازات استاد حکیمی، قبول و دریافت این واقعیت مهم و اساسی است که قرآن و معارف نبوی و علوی ناب‌ترین و اصلی‌ترین منابع معرفتی / هدایتی مسلمانان می‌باشد: تعقل و حیانی، بلند مرتبه‌تر، دارای آفاقی بس والاتر، و اعماقی بس ژرف‌تر است، والاتر و ژرف‌تر، از همه داده‌های قدیم و جدید دستگاههای فکری. (ص، ۲۱۷)

در این «تدبیر» استاد «پنجاه مطلع شناختی [قرآن]، در آفاق اندیشه و اقدام» را ادیبانه توضیح داده است:

قرآن، عهدنامه‌ی خداوند متعال است برای بندگان، با بینشهای نمایان و ظواهر

تابان (ص، ۲۱۹)

تدبیر دهم: مسائل قرآن شناختی

به عقیده‌ی استاد حکیمی:

... بسیاری از حقایق اسلامی، حتی حقایق عمده‌ی مربوط به «قرآن کریم» و شناخت آن و شناخت «معارف قرآنی»، ... هنوز مورد بحث کارشناسان و بیطرفانه قرار نگرفته است. (ص، ۲۳۱)

استاد حکیمی در کتاب ارزشمند «مکتب تفکیک» حدود ۹۰۰ مسأله را از بطون حوادث و متون تواریخ و اصول فرهنگ استخراج کرده است؛ و به اندیشمندان تاکید و توصیه دارد که در اطراف این مسائل تحقیق و ژرف اندیشی داشته باشند و آنها را «احیاء» کنند. احیاء این مسائل، احیاء حقیقت اسلام است، زیرا این احیاء، «احیاء عظیم» است، یعنی: احیاء مرجعیت علمی و شناختی قرآن کریم و اهل بیت (ص، ۲۳۶)

استاد در ذیل بحث «احیاء عظیم» در چهارده بخش - با فروع بسیار و متنوع - مسائل مهم و اساسی را برای احیاء به دانش پژوهان معرفی می‌کند.

تدبیر یازدهم: «حروف بسیطه» در «قرآن کریم»

حجیم‌ترین «تدبیر» پیام جاودانه «تدبیر» یازدهم است. در این تدبیر بحث‌های مختلفی درباره‌ی «حروف» و «کلمات» و «آیات مبارکه قرآنی» آورده شده است. استاد پس از نقل داستانی - داستان برخورد عبدالملک اصمعی بصری (ادیب و لغت‌شناس) با عرب بادیه نشین - از کتاب «التوابع»، علت عادی شدن قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهند.

[ما] عظمت قرآن را - چنان و چندان که باید - حس نمی‌کنیم، و به هنگام خواندن قرآن (یا گوش دادن به آن) آنگونه که باید در مدار روحانیت قرآن قرار بگیرم قرار نمی‌گیریم؛ ... (ص، ۲۶۰)

دنیای اسرارآمیز «حروف»؛ علم الحروف التقاطی؛ علم الحروف و حیاتی؛ شناخت حقایق حروف؛ برخی عناوین اصلی این تدبیر می‌باشد.

استاد حکیمی ذیل عنوان «علم الحروف و حیاتی» آورده است:

«حروف شناسی و حیاتی» - تنها و تنها - از راه اشارات آیات، و روایات، و برخی تصریحات عظیم نهفته در آنها، خاص «بیت وحی» است، و عالمان تفکیکی در این جهت نیز امتیازی بزرگ دارند، که واجد مراتبی از اینگونه علم الحروف

هستند، ... (ص، ۲۶۷)

در پایان این «تدبیر» یک «تنبیه» در هفده بخش آورده شده است.

تدبیر دوازدهم: روح - امر (حقیقت قرآنی)

این تدبیر دارای سه عنوان است: ۱- قرآن، در معرفی خویش. ۲- روح القدس، یا روح امری؟ ۳- حیات، در حروف و کلمات....

این سه عنوان پیرامون آیه شریفه و کذلک، أوحینا إليك، روحاً من أمرنا... (شوری، ۵۲/۴۲) می باشد.

آیه مبارکه «و کذلک أوحینا» در مقام شناساندن عظمت «حقیقت قرآنی» از آیه مبارکه «لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل...» و آیه مبارکه «ولو أن قرآناً سیرت به الجبال...» بسیار مهمتر است. (ص، ۳۲۳)

تدبیر سیزدهم: عقل - قلب (هدایت قرآنی)

استاد در این تدبیر مباحث متنوع و مهمی درباره عقل و قلب - مراتب و درجات آنها - را مورد دقت و بررسی قرار داده است.

...عقل - به یک اعتبار - به دو قسم تقسیم می شود: - عقل سطوحی .. عقل دفائنی .
«عقل سطوحی» یعنی استفاده از سطح عقل نه عمق آن . و این همان عقل عام بشری است.... «عقل دفائنی» یعنی استفاده از عمق عقل نه فقط سطح آن....
(ص، ۳۲۷).

اقسام عقل؛ هدایت قرآنی (استخدام قلب و عقل)؛ هدف ارجمند در اصل حیات؛ ... عناوین اصلی این «تدبیر» می باشد.

عناوین «تدبیر» های چهاردهم تا بیستم عبارتند از:

«قرآن کریم» در «صحیفه سجّادیه»؛ «قرآن کریم» و تفکر؛ قرآن و زندگی؛ قرآن در نگاه عصر و نسل؛ «قرآن کریم» و «انقلاب»؛ «قرآن کریم» و «عدالت»؛ قلب قرآن . کتاب پیام جاودانه با مناجاتی دلنشین و زیبا به پایان می رسد.

مناجات

خداوندا! ما را با مقام «معرفت»، آشنا کن .

خداوندا! ما را به «قرآن کریم» برسان، تا نزول آن را درک کنیم .

خداوندا! فطرت ما را قابلیت آن ده، که از زلال شفاف روحانیت ولی تو بهره مند گردد .

خداوندا! ما را از «قرآن الفجر» بهره ور گردان .

خداوندا! ما را به تکریم بزرگان - همه - موفق بدار، و روحمان را از دانش راستین سیراب ساز .

خداوندا! ما را در خدمت نشر حقایق بگمار، که انسانیت هابط در زمین را به تعالی عرشی می رسانند .

خداوندا! همواره، جان ما را قانع، قلب ما را خاشع، نفس ما را متواضع، و قلم ما را مؤدب بدار .

خداوندا! توفیق فریاد برای عدالت را از ما بگیر، و محرومان را از یاد ما مبر...

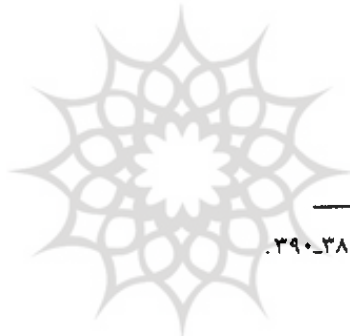
خداوندا! چنان قرار ده، که حاکمیت‌های غیر عامل بالعدل را «اسلامی» شناسیم، و جامعه‌های غیر قائم بالقسط را «قرآنی» ندانیم .

خداوندا! چنان کن که «توحید» را از «عدالت» جدا نکنیم - که در حقیقت جدا شدنی نیست - و زندگی‌های سراسر تبعیض و تکاثر و اتراف و اسراف و اجحاف را به دین پاک تو نسبت ندهیم .

خداوندا! به خامه‌ما، در راه دفاع از انسان محروم و مظلوم، نیروبخش، و روح ما را از قوامیت بالقسط، صلابت «غدیری» ده.

خداوندا! قلّه‌های ثروت را در هم کوب، و درّه‌های فقر را، با احقاق حقوق محرومان، هموار ساز، تا از حضور خویش، در حماسه‌بانی «عاشورا»، سر بلند باشیم....

و السلام علی غدیر التوحید و العدل،
و عاشوراء الصلاة و الحرية و القسط. *



* برگرفته از کتاب پیام جاودانه / ۳۸۹-۳۹۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

